

هست خرمه مجله ایادی امرای و حضرات افغان تائیه رانحه برستیان الله و جنود
 سورة نمازین و مهاجرین فی سبیل الله و عصبه جلیله مباحان و اشران نقابت
 الله و اخوان محافل سده روحانیه ارکان و حامیان شریعه الله و افراد
 جامعه سیردان دین مقدس کشور محاسن ایران و خطه هند وستان و برابرا
 و پاکستان و اقالیم افریقا و عربستان و قطر مصر و سودان و ترکیه و افغانستان
 و جزائر اوقیانوس هند و محیط اعظم عراق عرب و سوریه و لبنان و جاهلاً
 و نساءً اصغیراً و کبیراً ملاحظه نمایند

ایمعه المؤمنین و المؤمنات حیکم من هذه البقعة احسبه المبارکة
 المهدیة الطهرة النوراء بقلب خافق بحجتکم و فواد منجذب بنفحات ذکرکم
 و لسان ناطق شبنامکم و محامدکم و عین دامعة لضکم و اضطهادکم و روح
 فخر مبارککم و عظیم دلائکم و لهکم و اشتعالکم و صبرکم و صطبارکم و شباکم
 و استقامتکم و قدماکم محموداتکم و فتوحاتکم تکریماً لاسمه الاعز العزیز و
 اطلاق الظهوره لاسم المسیح و اعزاز المیشافه الامن المستین و تعظیماً لشعار
 دینه الاقوم القوم و اثباتاً لاصول نظمه الابدع لسبیلج و امداداً للجهاده
 اکابر الکبیر و کشفاً لاسرار شرعه الامجد المجد و تمجیداً لاعلان امره
 الاوعز انانتم الانور الاقدس المبرم الخیر صلوات الله و الطافه و عونه
 و رحمانه علیکم یا احباده و امامه و حیره و حلقه و رعاة اغنامه و مشاعل شنبه

ومصاحبه هديه وامناء امره طوبى لكم الف طوبى لكم يا غزاةكم وبارواكم بما كنتم
 ندائه وديتم بمبشاة وثبتتم اقدانكم على صراطه واعتصمتم بحبله وحملتكم الشدايد
 في سبيله وتركتم اذكاركم وهجرتكم اوطاكم تنفيذاً لامره وانه قتم من اقراركم و
 فديتم راحكم طلباً لمرضاته ودعوتهم الناس في مشارق الارض ومغاربها
 لاسيما في الله واقديتم بالذين سبقوكم من اباكم واجدادكم
 في هداية خلفه وتبليغ رسالته والالتطاع عن كل باسواه والترسخ من صحبائه
 الشهادة جبالاً له وبذلتم ما وهبكم ربكم لا غرار فيه وترويح مبادئه وكشف اسراره
 وتعميم تعاليمه واستحكام دعائم نظمه واثبات استقلال شريعته واشتغال بصيته امره
 الاعظم العظيم تالله تنظركم في هذا الجين عيون هل ملاء الاعلى وتسيركن بانقاصكم
 سكان رفرف البقاء ويشيرن اليكم هل سراق الابهي وتهلل لفضلكم و
 تظفركم وجوه حوريات القدس في الجنة العليا وتسبح ملائكة الامرحول حرم الكبرياء
 ويحجركم في مقابله العرش سيدكم وحسبوكم مركز عهد الله الامين الاسمى وبارككم
 ربكم ومولكم النقطه الاولى مبشاة امره الاسمى سلطان الرسل قره عين الانبياء
 ويخاطبكم لسان العظمة في بحبوحة الفردوس جمال الله الجمي الابهي مبعث الرسل
 بارككم ووجدكم بان يا اجابى وحفظه امانى وهداة خلقى طوبى لكم لشي
 لكم مرحى لكم من هذه المنحة العظمى انتم الناصرون لا امرى انتم الشاركون
 من حق حتى انتم اعلام لضرى في ملكى انتم المخارون في ملكوتى انتم

المتكئون على وسادة عزى طوبى لمن تأسى بكم وسلك في منهاجكم تاليد
 بويده روح الأعظم كما أبدناكم من قبل ومن بعد ان استقيموا على هذا الصراط
 اياكم اياكم ان تخوفكم جنود الجبابرة ومطوه الفراغ اياكم اياكم ان تمنحكم
 عن اداء رسالات ربكم ورسولكم ومحبوكم دوله فانك اولو قه لائم
 او صولة ظالم او شوكة فانك سوف يدم عليهم العذاب كما ددم
 على الذين كانوا من قبلهم وان هذا الوعد غير كذب

يا مشاعل المحب ومطالع الوفاء در اين سنين اخيره از صين خستام
 سنه مقدسه عيد سوى ثانی اهل بها وراکین سفید عمر آرد و فتاح حجاد
 کبير اکبر در اين عصر انجم اسنى الى يونا هذا از جهتي سيل جارف بلايا و زرايا
 در وطن ضلې جمال ابھی منجمتند باد استخوان و فستان در هبوب و مرور و
 ضوضاء همج ارض و اراذل قوم مرتفع و منقریات تحجین و هذيانات
 و اراجيف کذبين در جرائد و نشریات بی درنی منتشر و تهدیدات دشمنان
 پرکين متتابع و ترايد و نار بغض در قلوب مشتعل و غبار دغان و ظلم
 بجنان آسمان متصاعد اولياي الهي ياران راستان در نيجه تعقيب
 گرفتار و اصحاب فتور و عصبه عز و در تمام قومی بر قطع و قح حزب السعدا شفا
 جمال ابھی و سالکان سبيل و فادرافعين رايت بضيأ قائم و شرمه
 از ذناب کاسره از ايكات نفاق مره احسنی خارج بجمال صولت

براغمام الهی مهاجم دتوبین و تبحر و بهیم و تخریب و زجر و ضرب و شتم و شکست
 ناموس و ابراق دماء بر ریه مشغول و علمای رسوم عبرتده و هیاهو و همصه
 و ددنه جدیدی مالوف و جمعی از بلجها و سفها و بلدا و جهلا در تشویق و
 تأیید و محاضرت و مساعدت و اشتراک در این حمله اخیر با باغیان و
 طاغیان علناً لیباً و نههاراً در سراسر موطن اصلی جمال ابھی ساعی و جا
 ولی نهر اشکر مولای بهیمتار که از جهتی دیگر با وجود تابع بلایا بل در بحبوحه
 رزایا آئین جهان افروز جمال اقدس ابھی رخمالانف الحصما و الاعداء آما
 فناً در ممالک اضری در ارتفاع و در این سنه ثلاثه امرسین و آئین نازین
 به نیروی اسم عظیم محیی العالمین بر تجاوز از صد و ده اقلیم از ممالک و جزائر
 شرقیه و غربیه و جنوبیه و شمالیه بر نواکنده و چنان ولوله در این عالم ادنی انداخته
 و شور و دله و نشوری احداث نموده که اهل امکان را از قریب و بعید و ضعیف
 و شریف و آشنا و بیگانه حیران نموده صد هزار اشکر در این ایام که عبید
 سعید نوروز است و این عبید ستمد بترقیم این اوراق مشغول و مقارن
 با ختام دو تین مرحله این جهاد کبیر جهان افروز است شلیک یا بجها^{الابھی}
 و یار تپی الاعلی در بر و کج در قارات خف و عالم و جزائر و محیط اطلس و اعظم
 و دو بحر متوسط و شمال و اوقیانوس هند بلند است و پرچم اسم عظیم متواج
 و صیت امر اعز اقوم شهر و ندای لبیک یاربنا العالی الاعلی و یاربنا الابهی

در تجاوز از دوایت و جهل اعلیم از اقالیم دنیا از خیز ادنی بافق اعلی تصاعده
 و قلوب ختم غفیری از مونسین و مونسات از جنس ابیض و اسود و احمر و صغیر و کبر
 از تجلیات بدیعه حیرت انگیز امر رب فرید و سطوع انوار تائید و بروز
 تباشیر قهارت و غلبه نظامه آئین مجید هتیز و میثاق است در هویت
 پیردان امر رب ذوالمنن مستحکم و بساط نظم بیع در تمام جهان منبسط
 و هلهله فارسان حبش عمر مرم بجا کرده مهاجرین و مجاهدین پر وفا از کناف
 و اطراف مرتفع المحزن و السرور قد عتقا فبجان ربنا المقدر الناظر
 القاهر المقدر المتجبر الحافظ المهبین العظیم

ای یاران ارجمند در بیخ و افسوس که در کشور مقدس ایران موطن صلوات
 جمال موعود محمد آئین رب و دود جمهور سکنانش از شخصیات انوار
 این امر عظیم تا بحال پس از تجاوز از صد سال مهلت غافل و ذاهل در
 سیات عمیقند و بجا بوس تقبل گرفتار و بر ائمنام او بام عاکف قلوبشان
 از تقاضای محروم و ابصارشان مرمود و اسیر قیود در بعد بعد نذیل
 متعرض و مخالف و در الهف و سراج و تاج امر ذوالجلال ساعی و جاهد
 تر ایم فی وادی الأوام همائین و فی خوضهم لا عین آن قوم پر لوم از
 طبقات خلفه و علی رأسهم الفئه الفاسده ارباب عمائم الذین زینوا
 رؤسهم بالبیضا و الخضرا بر مقدسات این امر گرانجا از بر سونوهای جم

و در اثبات بطلان این امر نازنین و تزییف سنن و شعائر این دین بسین
 و تفریق و تشتت مثل مؤمنات و مؤمنین و ایجاد الشکاب و شقاق
 در صفوف جنود مجتهد اش و خدمت بنیان موسسات بدیعه اش و
 استئصال این شجره لاکشرقیه و لا غربیه که بد قدرت الهیه
 در آن ارض غرس نموده و بد آیه بت هزار شهید سعادت فرمود
 بکمال جدت و اهتمام قائم و مداوم شبیه و بنوده و بصفت که اعلامی
 حیرت انگیز امر است و استعمار سریع بنا و عظیم و ولوله اش در اقلیم
 و رفع لواش در تجاوز از صدوده اقلیم در اقل از سه سنه و رفع
 قواعد و دعائم نظم بدیع الهی و جلوه تزیاید تاسیسات امریه و
 تسید مقامات مقدسه و تاسیس اوقاف و اتساع دائره آن در
 ارض اقدس قلب العالم و قبله الأمم و اتمام مشروع عظیم بنای سیاسی
 ام المعابد غرب در قطب امریک و احوال مجلل عمید مسؤی اول دثانی
 اهل بجا در قارات خمر عالم و انعقاد انجمنهای اربعه بین القارات
 در ناره امریک و امریک و اروپا و آسیا و افتتاح جهاد کبیر و طرح
 و اعلان و انتشار نقشه بدیعه دهساله و قیام و خروج و هجوم و تشتت
 مهاجرین و مجاهدین در مالک و دیار و فتح صد اقلیم در سنه اولای این
 جهاد جهانی روحانی و استعجال قاره امریک و اقبال سریع نایندهگان

قبائل متعدد و مختلفه و ارتفاع رایت مبضاه و در تطبیح کار بالاخص در
 محیط اعظم و تاسیس و تعدد مراکز این امر اعزازیم در اقلیم عربستان
 بالاخص در مکه مکرّمه قبله عالم اسلامی کل باعث تحیر و موجب توبّم
 و اضطراب گشت و تحرک عرق عصبتیت و محاذت دشمنان دیرین
 گردید و بر اشتغال نارحمه و بغضاء در قلوب اهل شوره و خصبه
 غرور بفرزود و خیابان الهجابی در صدور احداث نمود که بغتّه من
 دون ستر و حجاب از مساجد و بنا بر سبیل تهمت و افسر آه جاری گشت
 و در صفحات جرائد این هجوم عنیف و ذم و فح و تزییف بجارانی
 فضیح منکس گردید نه باغیه ضالّه بحرخی ستین بر قلع و ستم
 این حزب مظلوم قیام موزند طولی نکشید که از مقامات عالیه
 او امر اکیده صریحه در توقیف و تعطیل امور امریه و منع از اجتماع
 پیروان امر حضرت رب البریه و اشتغال و حلال حظیره بار
 ارض طاه و محور دواثر امریه و اولتین مرکز آذاری اهل بجا و نمکین
 عبوده و تقی در آن اقلیم پر بلا صادر گشت و در خلبس شورا در حضور وزراء
 و کلای جمعه عده من دون ستر و حجاب زبان به تهدید و تزییف
 گشودند و محرزین مقالات در جرائد عدیده در آن عاصمه پر شور و آشوب
 بکمال صراحت بجارانی سخیفه بر مقدسات آئین الهی عله می شدید نمودند

و در بهمان مجلس بعضی از وکلای به نهایت الحاح و پرمهر از صدور حکم رسمی
 از طرف هیئت تشکیلیه در تحریم و اعلان عدم مشروطیت آئین
 بهائی و حجز اموال و مملکات امریه و ضبط اوقاف این حزب
 خراج و تبعید جمعی از مؤمنین و مؤمنات و قطع و قمع این طائفه
 طالب گشتند در نتیجه این فتنه فساد قبه رفیع آن بنای مجلل
 را منهدم ساختند و سماً اشغال نمودند و در ولایات مختلفه در اثر
 این هجوم عظیم ضوضا بر پا گشت و تضییقات و اذیات از طرف
 مأمورین و علمای رسوم از مجتهدین و وعاظ دفعه و اصدۀ شدت
 یافت خطا ز قدس اشغال گشت و جمعی در بدن و قری عوام کالانعام
 را بقصدی بر اهل بھا و قتل و غارت بکمال حبارت تحرک نمودند و
 لب و لعن و شتم در معابر زبان گشودند و بتخریب و تاراج و عرق
 بیوت مسکونه این فتنه منطلومه و هدم و شمش مقابر در مدافن
 بھائیان و ضرب نفوس و قطع اشجار و هتک ناموس ساء
 و ضرب اطفال و حرج آنان از دستان و دبیرستان و اجبار
 به تبری مؤمنین و مؤمنات از عقیده خویش و العناد بحال تسزیه
 و بیوت آنان و غارت محصولات فلاحی آن مظلومان و قطع معامله
 با آنان و خسراج جمعی از دوائر دولتی اقدام نمودند و خیانت مفادت و

قناتی ظاهر نمودند که در مزرعه آن که در قرب دهی از دوات واقع بحریک
 که خدای آن محل جمعی از ازل از اشعار که عدد آنان بر پانصد بالغ
 باطل و شیپور و چوب و تبر بجوم بر ساکنین آن مزرعه نموده هفت
 نفر از رجال و نساء که یکی از آنان هفتاد ساله و دیگری هشتاد
 ساله بوضع خبیث شجید نمودند امر بمقامی رسید که لکمه ووهنی عظیم
 از دستکار لعین و شیم کعبه و سپردان امر جمال قدیم در آن ایام
 وارد گشت و خبری از اجزاء بیت الله الحرام در مدینه مبارکه بشرا
 که مضمون کتاب اقدس و اول و ابھی و اشرف مقامات تبر که
 مقدسه آن ارض است و بیتی از بیوت مجاوره آن منحصر گردید
 و اخیراً در ارض خاتمجاوز از هشتاد نفر از رجال و نساء را بشرا
 تبه کار پس از شکنجه و آزار از بیوت مسکونه بیرون کشیده بلی
 مسین پالان و سار نموده و زنک بگردنشان انداخته آنانرا
 جبراً چهار دست و پا در کوچه و بازار باطل و دهل گردانیدند
 پس از آن منازل آن مظلومانرا غارت نمودند بئالهم سحقاً لهم
 و بل لهم تعالهم و لا عوانهم و تباعهم قد کین من ظلمهم محمد رسول
 و ذرفت من اعمالهم عیون اهل ملأ الاعلی و ضجت حوایات القدس
 فی اعلی الغرفات فی الفردوس النابی و تقفت السباد المؤمنین

المونيات في مشارق الأرض ومغاربها فضل الدفاهم وقطع لسانهم
 وكسده اغاقهم واناملهم واقلائهم فوربت العما سوف لفيستون
 نبتة عمياء صمائر وليفه بن علي فهم ملائكة الامر ونزل اللغنة
 عليهم وتبر الريح المحرآء وكبيلهم عذاب الله الكبير الاكبر من فومهم
 وحت ارجلهم وكيل بهم بلاء لم يسبع بلاء اشده منه اذا ترهب
 اركاخم وتفتخر جلودهم ويضعون انامل الحسة بين ايديهم
 ولا يجدون لانفسهم ناصراً ولا معينا اذا ياكلهم النيران ويحرقون
 آثامهم ويلحقهم باها الكين اذا لا تسمع لهم صوتا ولا ركزاً درين
 مقام از قلم مركز ميشاق جمال ابهي اين كلمات سينات صادر از
 سرشك ديدة نيمان حذر لازم زيرا سيل خيزست واز دود آه
 مظلومان پرهيز بايد زيرا شررا انگيزست «اين است كه از قلم
 اعلى اين كلمات دريات واين شهادت عظمى نازل قوله حلت
 عظمى» قسم باقاب حقيقت كه اگر اخفرت در مملكت ديگر ظاهر
 ميشد البته مفاش مرفح وامر ش ظاهر ونورش باهر وكلمه اش
 محيطى گشت» «لعمرا الله اگر قلم اعلى حسرتاب عالم توجه مى نمود
 مثل آنچه باهل ايران نمود هر آينه اكثرى وارد بحر اعظم مى شدند چنانچه
 در اين ارض جمعى قبل از تبليغ داخل شدند بمثابه امطار آيات بر ايران

باطل و نازل معذک و میت مشاهده میشوند الا من شاهدت رب
 العالمین « و ایضاً میفرماید » اگر حضرت بشر روح باسواه فداه
 در این ارض ظهور می نمود حال اکثر خلق را از اهل حق مشاهده
 می نمودی چه که ادوات حزب شیعه از جا بلقا و جا بلبا و ناحیه
 ما بین این نفوس بنوده و نیت « و از قلم سیشاق مؤیداً لمصادر
 من القلم الاعلی این شهادت اتم او فی نازل « این گوگرد
 اگر از مطلع انجمن اوروپ طالع شده بود حال ملاحظه میفرمودی
 که چه شور و ولهی بود و چه ولوله و طربی « و ایضاً میفرماید « شمس
 حقیقت اگر در سایر اقالیم اشراق نموده بود تا بحال شعله اش
 جهاگیر گشته بود زیرا اهل آن تسلیم قدر این فضل عظیم را
 می دانستند و لو مؤمن نبودند سرور بودند «

در بیان غفلت و سوء رفتار و عاقبت پر وبال این
 هیاکل بغضیه از قلم اعلی این بیانات خطیره قهریه و اندازات شدید
 نازل قوله جل کبریا « لما نفرستنا و عهدنا اکثر اعدائنا العلماء
 « بنوح من اعمالهم محمد رسول الله فی اعلی الجنان لیسجد بک من رسله
 سلطان مبین « زینوار و سهم بالسفراء و الحضار و عملوا اماح
 بالروح الامین « « لیسجدوا کما نوا سجدوا لیسجدوا حساباً «

«یا معشاه العلماء بکم انحطت شان الله ونکس علم الاسلام و
 تزل عرشه العظيم کما اراد منیر ان یتیمک بما یرتفع به شان
 الاسلام ارتفعت صوفیاً وکم بذلك منع عما اراد وبقی الملك
 فی خیر ان کبیر» «قل یا معشاه العلماء لا تزولن بعد الیوم لانه
 من عزانا اخذناه نکم و قدرناه للذین آمنوا باللهد الواحد المقده
 العزیز النجار» «قل یا معشاه العلماء من الاعجاب قد اخذتم زمام
 العباد بارسی و تقعدون علی الصدور بنسبکم الی فلما اظہرت
 نفسی اعرضتم و عملتم ما جرت به دموع العارفين سوف یفنی ما
 عندکم و یبدل عزکم بالذل الکبری و تزولن جنبه آء اعمالکم من اللہ
 الامر الحکیم» «اهل سنه و یهود و مجوس و نصاری و سایر
 احزاب هیکیک عمل نمود آنچه را از آن قوم ظاهر شد» «یهود
 از ظلم آن حزب بحق پناه برده دی برد و کذلک احزاب اخری»
 «قسم بآفتاب افق بیان که طرف ناخن یکی از آء مومنان الیوم عندآ
 اسبق است از علمای ایران که بعد از هزار و صد سنه انظار عمل
 نمودند آنچه را که یهود در ظهور حضرت روح عمل نمود» «سپت ترین
 جنبه های ارض احسن از ان نفوس بوده هستند» «سوف تأخذیم
 زبانیة العذاب من لدن عزیز مقدر قیوم» و از ظلم میشان

این کلمات آیات در این مقام نازل « این عزت تبدیل نذلت کبری
 گردد و این سطوت و شوکت منقلب مهوریت عظمی شور ایوان بدای
 بزدان گردد و اوج ماه بقعر چاه انجامد قهرقه و خشنده نماید بلکه
 حجب بکاء بلند شود» « گسبدهای سفید و نیلگون سرنگون گردد»
 « حضرات رؤوس آخور را دیده اند و آخور را ندیده اند و ضربت
 علیهم الذلۃ و المسکنة و باؤ و الغضب من اللہ خفرب این
 نغمه و اطوبی و اطوبی منقلب بفریاد و اولیاد و اسفا گردد»
 « عنقریب ملاحظه خواهید فرمود که کل باحق منکسره خائب
 و خاسر... بسلا گردند این نفوس تبرله بعوضند چندی در گل
 و گشادات خویش می غلطند بکعبه می اندازند و عاقبت کان
 لم یکن شیئا مذکور را معدوم کردند» « در زمان ناتوان مرد میدان گشتند
 و گوی سبقت و پستی از جهت ان زمان ربوند» « خسرانهم
 حسد ان الفرستین و هو انهم هوان کهنه البعل فی زمن
 ایلیا من الاسرائیلیین»

ای سرطنان جمال قدم و اسم عظم روحی لضمکم الفداء سلطان
 قدم مستلی عظم سفیر مایه قوله ما اهل بیانه و ما ابھی عزه و ذکره « یا حیات
 الوفاء خالطی الضعفاء انه اذا جدتم الضراء اشتدت والبأساء

امتدت والارض ارتجفت والجمال ارتعدت وزواج الشدايد
 احاطت وبحور البلايا فاحت واريح الرزايا ماجت وطوفان
 الامتحان احاط الاسكان عليكم بالعبء الجميل في سبيل ربكم ايل
 «قل يا حزن الله اياكم ان تخوفكم قدرة العالم او تضعفكم قوة الامم
 او يمنحكم صنوئاً اهل الجبال او تخزنكم منظار الجبال كونوا كالجبال
 في امر ربكم المقدر العزيز المتحار» «قل اياكم ان تضعفكم اقوياء الارض
 او تخوفكم امرآء البلاد توكلوا على الله وفوضوا الامور اليه انه ينصركم
 بالحق وهو المقدر على ما يشاء وفي قبضته زمام القدار» «اياكم
 ان تخزنكم سطوة الظالمين وظلم المحدثين» «لا تخزنكم كثرة الاعداء
 سوف يجعلهم الله هباءً اولاستمع صنوئتهم الا كظنين الذباب
 انه كان بكل شىء عليماً» قسم بام عظيم كه اين بلاي ارمم رارخاني
 عظيم از عقب خياچه صريحاً سفير مايد «اغتريب معصين نادم و فاسر
 مشاهده شوند و مقبلين بجمال عز و تكلين هذا حتم عند ركب
 واليضا سفير مايد «اگر در اين ايام شهود و عالم موجود في المحلله بر خلاف
 رضا از جبروت قضا واقع شود و دستنگ شود كه ايام خوش رحاني آيد
 و عالهيان قدس روحاني جلوه نمايد و شمار در جميع آن ايام و عوالم قسمتي
 مقدر و عيشي معين و رزقي مقرر است البته بجمع آنها رسیده فائز گردید»

بدین معنی در کار هست و تشبیه حقیقی ناظر و مراقب و بیدار ارباب عدلیه بلاده
 از لیه نافذه مولی السبویه در معنیات معلوم مرور نماید و این ظلمهای وارده
 بفرموده منظر احدیه تدارک عدل عظیم می نماید و این نقیصه و بیگانه
 بنفسه مقدمه نجات و استخلاص آن ستم دیدگان و شیطان روی
 جمال رحمن از قیود صد ساله امر نیردان در آن سامان است
 و فتنی مجبول عصر جدید و درود جامعه پیروان امر رب حسیب علیه
 ثالث که مرحله انفصال آئین بدیع و منسوخ از شرح فتنه و حقیق
 است خواهد گشت تمهیداً لرفع علم استقلال دنیاه الاعنه
 الا شرف الا فخرم العظیم کلمات در بیات را که در این مقام از قلم
 امتهای فی الامم صادر بیاید آورید قوله الاحلی «الحرمانه مظلومیت
 بسیار محبوب است... ایام غلبه ظاهره خواهد آمد و لکن این لذت
 را نخواهد داشت و اگر در دست ملاحظه کنی عظمت امر را با حالت
 مذکوره مشاهده نمائی»

ای یاران رشید پرفا خیه قد شکرانه لازم وجه قدر حمد و
 ثنا سزاوار که در محل این نقل عظیم و تحمل این بلا و ادرهم آن یاران
 مکرم تا منی بحال قدم و شبیه هم عظیم و غصن فرزند آن منجی عالم و سید
 ام و وحیی رم نموده وقت آن است که این بلایا و رزایای لالتعد و لالتحیی

را بخاطر آورد و در شدت وحدت و امتداد و اتساع و تنوع
 بیات و صدقات و آرزو بر مظلوم عالم و بشارت دهنده لایمربوم
 و غصن افخم عظیم تفکر و تمعن نمایند در این مقام این کلمات و
 عبارات حزن انگیز از قلم اعلی جاری تعالت عظیمه « قسم
 بافتاب معانی که از ظلم این ظالمان قائم خم شده و بیوم سفید
 گشته البته اگر بین بدی العرش حاضر شوی جمال قدم را نمی
 شناسی چه که طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و
 نصارتش تمام شده تا الله قلب و نواد و حشا جمع آب
 شده و لکن بقوه الله بن عباد حرکت می نمایند » « تا الله
 یا اعرابی لو تنظرونی لن تعرفونی وقد ابض مسکک السود من
 سابع السبایا و نظرت الف الامر علی هیئته الدال من توالی
 القضاء اثم صفره هذا الوجه المحمر المنیر » « تا الله قد استبلی
 طیر القدس تحت الظلم بین طيور البغضاء منهم من یضرب بمنقاره و
 منهم من یسیره و منهم من یخلبه و منهم من یطفاره کذلک کان لسبایا من
 سحاب الغل علی هیکل الطیر مرشوحاً » « وکان قد اثنی لعیان
 القمر و فتح فمها لیبلعنی و عن ورائی غضنفر الغضب و یرید ان
 یسقی و عن فونی یا حیونی سحاب القضاء و یطیر علی اقطار البلاء

وعن يحيى نصبت رباح السعال يجرح أعضائي وبنيتي «لحمرا لئلا يكره قلم
 أعلى از این حسین الی الیوم الذی لا آخر له خود را بخطاب یا مظلوم مخا
 سازد حق دارد ظلم از هر قسمی و هر شانی از آن از قبل و بعد بر مشرق
 نور و مطالع ظهور وارد و لکن بر این مظلوم وارد شده آنچه که شبه
 نداشته و ندارد» «قسم بافتاب افتح ثوبی که نقطه اولیه در آتام خود
 بخزنم مخزون بوره و بر طلبیم گریسته» «در کل حسین در دست ستمگرین
 و خولی بی دین و شداد عباد و مزد و مردود و فرعون ملعون و
 یهود عنود و بوجاهل حسد و قایل بغضایر میلی بوره و هستم» «قال الله
 قذآ حاطنی خزین لن ترعین الأبداع شبهه... وانک لو ترید
 ان تعرف اسرار الأمر فاخرج عن المدینة الی الی کنت فیها
 ثم ادخل فی العراء ثم اسکن فی نفک ثم اصمت عن کل الادیار
 ثم توجهت بعلیک اذا سمع صیحج الاشیاء وصریحهم فی خزنی وکذلک
 تلقی علیک فی سر الاشارات جواسر الاسرار لعل تطلع
 بالاطلح به احد من الخلق» «فوالله لو لطلح احد علی ما ورد
 علی لیسکن فی العراء و یفر عن المعاشرین و لن یسائنس
 بأحد و لن یأکل من شیء الی ان یفید نفسه فی حبه هذا الجمال
 المیزر و کلما ورد علی فی الظاهر لیس عنده شیء حتی اذکره

کلم یا معش المجتین بل بما ورد علی فی الباطن وهذا مالا یقوم معه
 أهل السموات ولن یحمله کل من فی الملك احمین تالیق لن
 اقدرا ان اذکر عرفانیه ولو اذکر عرفانیه لتنفطر عنه السموات
 والارضین «لو تجبل الفأسن البحر مدار المصابی تالیق
 لتنفذ ولن ینفذ ذکر مصابی التی كانت عن افق القضاء
 مشهوراً وانک ان ترید ان تعرف اثرها منخافا ستشقی لخوا
 ثم کل شیء ان وجدت راکحة الدم اذا فکر منیا ورد علی
 جمال القدم من سحام هولاء الذین کفروا باللہ وآياته لحب الذی
 خلق بقوله لهم وکل من فی الملك مجموعاً «حال ملک
 عیب و مشهور بر حسیع مشهور و بشانی ضرب بر وجود مبارکش وارد
 شده که اگر حسیع بخور عیب و مشهور مدار شوند و کل من فی الملك
 اقلام و حسیع من فی السموات والارض راقم الرتبة از ذکرش
 عاجز شوند» «و فی کل یوم ما کان غذاءه الا من قطعات کبدہ
 و شدایه من قطرات دمه» «قسم بخورشید سماء توحید که اگر خورشید
 سماء ظاهره بر حزن جمال احدیه مطلع شود ابداً از افق خود طالع
 نشود و قمیص نور و ضیا از خود بسیندازد» «ای امته اللہ هنگامیکه
 در سباط آسایش جالس شوی بذکر این مسجون مشغول شو و اگر غریبی

مشاهده نائی از غربت و کربت این غلام روحانی ذکر منسا
 قسم نقطه وجود که بلا یابی وارد شده که ذره آنرا آسمان زمین
 و جبال حمل نتواند نمود ذکر مصائب غلام مستور به و آنه بکل شیعی علم
 «یا عین ابی لضرری و استلانی و یا قلب ضج بما ورد علی نفسی
 قسم بیکر عظیم که بلا یابی بر این عبد وارد شده که مظلومان عالم از
 اول دنیا الی صین بر مظلومیتیم نوحه می نمایند» «یا لب کنت فانیاً
 و ما ولدنی امی و ما سمعت ما ورد علی من الذین هم عبدوا الالهات
 و قتلوا منزلها و خالقها» «فاه آه لیس لے من ام لتکی علی حالی
 و لالی من آخت لضرری را مصحافی عزائی و مصیباتی و لاعذی
 من مونس لیوانسی فی بلائی او بر افغنی فی استلانی» «فاه آه
 فوالذی قد استکف و رقاه المخزون فی صدر البحار نسبت کلاماً
 مشهدت من اول یوم الذی شرب لبن المصفی من ثدی امی
 الی حینذ بما کتبت ایدی الناس و کان یتعلم کل ما کان الناس
 هم لا یعلمون» و در قضیده و رقائیه از قلم مظلوم عالم نازل
 «فطوفان نوح عند نوحی کأذعی و الیاد سیدان الخلیل کلوعتی
 و حسنی ما یعقوبت استله و کل بلا ابوب بعض بلبتی
 و از قلم مشفق در ذکر بلا یابی و آمده این کلمات حسرن انگیز صادر

« اهلقي ترمي وحدتي وغزبتني وكرتني وشاهد نخول جسدي
 ذهول نفسي وشموت بدري وكسوف شمسي وضعف اركانك وتزلزل
 اعضائي وترزعزع وجودي وتصنيق صدري وخفقان قلبي و
 زباق روحي وعدم سرورحي وشدة بلالي في سبلك وكثرة
 استلالي في محبتك اي رب استأصلت الزوالج ووجعتي الناشئة
 واقلعت الزلازل ارومتي النابئة واخذتني اعاصير البلوى و
 اهلكتي شدة الباساء والضراي » يا محبوبي ... اخني ظهري
 وابيض شعري وذاب لحمي ولبى عظمي وقطعت كبدي واهرق قلبي
 وانفدت نار الآسى بين اصنامي وحشائي » « تراني بدفا لكل
 سهام وغرضاً لكل نضال وفائضاً في غمار البلاء وغريقاً في بحار
 المصائب والارزاق ... ارفعني اليك لان الارض ضاقت علي و
 الحياة مريرة لدي والالام تتموج كالبحور والاحزان تهجم بهموم الظهور
 على الحب المنثور فنهارى من الآسى ليل بهيم وسباحي مساء منظم
 بهموم عظيم وعذابي عذاب وشراي شراب وغذائي علقم وفراشي
 اسواك وحياتي حسرات ومياهي عبرات واوقاتي سكرات و
 لعزبتك لقد ذهلت عن كل شي ولا اكاد افرق بين ليلي ونهارى
 وغدائي وعشائي وسحري ورفادي بما اشتدت الارزاق وعظم

لی البلاء و عرض داء لیس له دواء»

ای عاشقان جمال ابھی قدر این مہبت کبری را بدینید کہ درین
 بلا یا وز زبایا بشرف مساهمت با مظلوم عالم و مرکز مشیاق نجی رزم مرتضی
 و نائل گشته اید و قطره از این علقم بلا را چسبیدہ اید و این باج فخر
 را بر سر خفہ اید در ذکر مصائب وارده بر متقدمین در آن
 سز زمین از قلم اعلیٰ نازل قوله عظم سلطانہ «مصائب و بلا یا ی
 شما ثباتہ کنوز است و در خزائن امانت الهی محفوظ و مصون»
 و ایضاً میفرماید «و نفسہ الحق سوف یزین اللہ دیاج کتاب الوجود
 بذكر احوالہ الذین حملوا الزبایا فی سبیلہ» «فواللہ لو کان للدنیا
 وافیھا قدر عند اللہ علی قدر رجوضہ لن تصل الذلۃ فیھا علی
 أحد من المؤمنین» «فاعلموا بان السبایا و المحن لم یزل کانت موکلۃ
 لا صفیاء اللہ و احسانہ ثم لعبارہ المنقطعین» نفس این بلا یا وز زبایا
 را جمال ابھی و غصن غلمش در الواح شتی طالب و آمل و وقوع و صدور
 را حامد و شاکر در این مقام از قلم اعلیٰ نازل قوله تبارک ذکرہ «فالم
 ثم أتیقن انما فی اول یوم فید ارتفع صریر القلم الأعلیٰ بین الأرض و
 السماء انقضا ارواحا و جنادنا و ابناءنا و اموالنا فی سبیل اللہ
 العلیٰ لعظیم و نفخر ببلک بن ہل الانشاء و الملاء الأعلیٰ لشجد ببلک

ما ورد علينا في هذا الصراط المستقيم «العمري لو اذكر حلاوة بلايا التي
 اكون فيها لتسعد الالواح وتضعق الأقلام وربك على ما قول عليهم» العمري
 احب البلاء في سبيل الله موجد الاشياء كما يحبون الناس انصارهم
 بل ازيد ولشهادة بذلك ربك العزيز المخار» «العمري ان السجدة بيتي
 وهو ابهى من كل السجود ان انتم من العارفين ولو ان يدي قد فتحت
 باب السجدة ولكن قلبي يحب ان يكون فيه ان ربك لهو البين الحكيم»
 «قل ان البسرة بيتي والسجدة قصرى والبلاء اكليل البهائم ان عرفوا
 يا اولي الابصار من افق الذل ان شرفت شمسي اسمي العزيز» «قد
 جعل الله السباء اكليلاً لرؤس البهائم سوف تستضي منة الافاق»
 «قد تزين رؤس البهائم باكليل البلاء كذلك قضى الامر في لوح كان
 بخاتم الله ختوماً» «طوبى لحين الذي فيه نفدى الغلام في سبيل الله
 الملك العدل الحكيم وطوبى لان فيه سيفك دم الغلام جاً محبوب
 العالمين فيا حنذا الساعة كان الغلام فيها مطروحاً على التراب
 بين يدي الله معصود العارفين فو محبوبي الحق اريد ان افدى في سبيله
 بدلاً عن كل العالمين لو انتم من العالمين عزيز على بان تقبل احد في
 سبيل الله وانا باقى في الارض وبذلك يحزن قلبي وكبير عيشي لو انتم
 من الموقنين» وكذلك از قلم يساق نازل «بالبلاء استضاء وجهه

البهائم وبالبياساء والضراء تبتم نخز كل عبد للبهائم « يا أمة الله
 اذا اجبت دعاء في حق عبد البهائم نذلي الى الملكوت الاعلى
 ويهلي وقولي رب زدني بلاء عبد البهائم في سبيلك والماء
 له كامن المصائب والرزايا وأمطر عليه سحب الأتخانات وزين
 عنقه بالسلاسل والأغلال في السجون والقلاع في حبسك وأل
 دمه مفوكا في سبيلك وأرزقه الجلوس على سرير الصليب بموتك
 حتى تأخذه نشوة مصعباء الفداء ويطير بها الى جوار رحمتك الكبرى
 في ملكوتك الاعلى هذا هو الدعاء في حق عبد البهائم لان هذه
 غاية العصى ومنية الكبرى وموهبة العظمى التي تمنىها في كل حين
 يا أمة الله لا تحزني ولا تكدرى من البلياء التي احاطتني لاني
 استبشر بها وافرح بها لانها ترلت وتنزل علي في سبيل الله
 اعلى اني ولدت في البلاء ورضعت من ثدي البلاء ونشئت
 في البلاء وبلغت في البلاء وشببت في البلاء وشببت في البلاء
 فاحلى البلاء في سبيل الله وما اشقى لعمرة البلاء في حب الله و
 ما اعدب كاس البلاء في حفل التجلي عند شاهدة نور الكبرياء
 لميت النجوم سهام وصدري هدف لها في سبيل الله ولا امنى الا ان
 اعلق في الهواري ويرش الف رصاص على صدري في تحية البهائم

او نفتح جسې ارباً ارباً او بریوننی فی نحر البحار او بحیر عونی کاساً
 من تم المھلک فی حبة المجال الی بھی هذا المنقہ آمالی وغایہ مقصدی
 وعظم مطلبی و منقہ رجالی «
 ای متمکین بجزوہ و ثقی التی لا انفصام لها این فتنہ و آشوب
 و انقلاب اخیر کہ در موطن مقدس مولای علیم و خیر نجسہ احدث
 گشت بشادت کل از آشنا و بیگانه و یار و غیار باعث استخا
 و ارتفاع صیبت آمین کردگار در کل اقطار گردید این هجوم عین
 از طرف حصہ مغرورہ فہ خادعین و کفرین و مبطین بر شعائر و
 مقدسات این امر نازنین و بیگانه طجاء و منجی اهل زمین و مروضان
 غوغای باعین و طاعین نفوس و ہمیہ سافلہ لاهیہ ساهیہ
 شبابہ صور عظم و نفخہ اکبر و نقرہ اخم صیبت امر اکل و اتم راد
 خافقین مرتفع ساخت و ولولہ اس در سبط خاک رنہ فی حیرت
 انگیز بنیادخت و صیبت امر آتہ راد فحہ و حیدہ بمقاماتی رساند
 و طلب انظار نفوس را نمود کہ تا بحال صرخی از این ظہور عظیم نشنیدہ
 و ادنی طلاعتی از تصرفات و فتوحاتش در عالم ندانستہ اهل بصا
 کثلہ واحدہ من دون تامل و تردد و بعزنی متین بکمال ہمت و جدت
 و باقلبی مملو از تاثیر و اسف و محبت و شفقت متوکلین علی اللہ الناظر

الشاهد الفاهر المقدر القدير بر دفاع و معاضدت و معاونت و مساعدت
 ستمد یگان برادران و خواهران روحانی خویش در آن اقلیم پر بلا
 موطن صلی جمال اُجی قیام نمودند قیام استفرحت منه قلوب اهل ملای
 الا علی و در اعلان مقاصد صلیه پیروان ابن امر اغزاسنی و نظلم
 نزد و ساء و امر آء و وزرای و و کلاء و احتجاج شدید بر و است
 کذب و افترا تبیین و شرح مبادی سامیه جامعه راجع به عقائد
 صلیه دینی مرو جان امر حضرت رب البریه و اقرار و اعتراف
 بحقیقت در سالت شارع شریعت اسلامی و توجه اهل بها
 با سر روحانیه . تمک انان بحبل المیتین لعالم سماویه و عدم ملا
 در امور سیاسی و تحت از احزاب و فرق فخره و متنازعه و
 اثبات اسالت و استقلال و عمومیت شریعت بدیعه الهیه
 و انقیاد تام و اطاعت احکام و مقررات حکومت مستبوعه خویش
 در مالک متفرقه متعدده همت بلیغ بگماشتند محافل ملیه روحانیه
 ارکان جامعه و تجاوز از هر مرکز از مراکز اتریه در مدن و قری
 در قطعات همه عالم و خراش نامه بعضی کتباً و بعضی تلخرافاً به
 اعلحضرت شاهنشاه ایران خلد الله ملکه و وزیرای عظام ایدهم الله
 و وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا در کشور مقدس ایران مجابره نمودند

و این تلخ‌انامات که از جهات مختلفه و مراکز عدیده دفعه واحده
 چون عنایت بر دوائر حکومتی آن ارض ها ملاحظه است ما مورینی
 بنفیان که نذام بعضی از آن مراکز را شنیده و نه موقع جغرافی آنرا
 شناخته این اخبارات مستالجه کل من دون شک و شبهه
 علت تحیر و باعث تعجب و لبای امور گردید باران رشید الهی در
 این مراکز امریه در احقاق حق مظلومین و منکوبین و ملهوفین بقدر
 استطاعت خویش سعی بلیغ مبذول داشتند بالاخص در قاره
 امریکه که نظم بدیع و مدنیت الهیه که بفرموده حضرت من طواف
 حوله الی سماء» میدان اشراق انوار است و کشور اسرار و نشأ
 ابرار و مجمع حسد را» و هم چنین در اقلیم انگلستان نمایندگان جامعه
 پیروان جمال ابھی قیامی عاشقانه نمودند و بجمع وسائل از برای ازاله
 ظنون و دوام توهمین و رفع سوء تفاهم مأمورین و شرح اصول آئین
 رب العالمین و مدافعه از حقوق مظلومین نسبت نمودند جماعات و
 حافظ محلیه روحانیه در ایالات متحدہ باریس جمهور تلخ‌افیا نموده
 در صفحات جراند و مجلات در اثبات مظلومیت و بیان عمورتیت
 پیروان امر مقدس حضرت احدیت و تبیین مقاصد و آرب و مبادی
 جامعه جهانی و ذکر شئی از تاریخ پر هیجان این فئه مظلومه مقالات

مشروح فتنه ساختند و در صفحات عظیم جرائد عالم و مجلات مهمه
 مختلفه متعدده از جمله جریده معروفه تائیس که اول جریده انگلستان
 بل آنجر جریده عالم است و در قضیه شهدای یزد در لوحی از الواح
 نازله از قلم اعلیٰ نخطاب «یا نایز یا دارای گفتار و مطلع اخبار» ^{طیب}
 گشته انعکاسات این وقایع مؤله منطبع و گشته گشت و برایشها
 این قضیه میفرود و انضاماً انما للحجه و تأییداً لما سبق نمایندگان
 جامعه بهائیه متوسل به هیئت نمایندگان امم متحده گردیدند و در سازمان
 ملل و دیوان دول رفته این قضیه و خطیره مرتفع گشت و شرح و بیان
 تفصیل این فجائع و اعمال شنیعه و مظالم وارده و لطومات و ^{ملات}
 شدیدة علت تحیر و باعث جلب انظار رؤسای قوم و صاحبان
 مناصب عالیة در ممالک مختلفه شرقیه و غربیه گردید تقریر مشروح و
 مطبوعه در بیان این وقایع مائمه و اثبات حقائق امریه تسلیم امین
 جامعه ملل متحده گردید و نسخه فی لاجل اطلاع رؤس شعبه فی از مشعب
 مهمه آن هیئت که مرجع امور اقتصادیه و اجتماعیه است ارسال گشت
 و نسخه های متعدده این نظم نامه نمایندگان دول مشترکه در مجلس اعلیٰ
 این هیئت مجلله و موظفین آن تقدیم گشت و در نتیجه تقدیم این تقریر
 من دون تأخیر هیئتی مرکب از ارکان سازمان ملل متحده تعیین گردید

و اموری بمراجعه بنمایند دولت ایران گشت و باب نخبه رسمی
 این هیئت و آن دولت مفتوح شد و از مدیران و دایره حقوق بشه
 نامه خطاب به این محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده صادر گشت
 و در این نامه رسماً وصول این تقریر و احاله اش بمقامات مربوطه
 و ارسالش بدولت ایران لأجل محافظه حقوق اقلیات اشعار
 گردید و نیز بر حسب اخبار منتشره رئیس جمهور ایالات متحده بنفسه
 در حضور محترمین و مجربین جرائد همه آن کشور بر کل سبقت یافت
 و حدوث این انقلاب را خود اعلان نموده و انتشار داده همگی از
 اجله ادبا و دانشمندان و مؤلفین و موزنین و مستشرقین و اساتذ
 معروف در دارالفنونهای قاره شمالی امریک و ارکان وزارت
 خارجه ایالات متحده و رئیس الوزرای کشورهای هندوستان و قرینه
 رئیس جمهور سابق امریکا بعضی بصرافت طبع و برخی پس از اطلاع
 بر این وقایع مؤلمه در نتیجه مراجعه و نخبه با امنای محفل مرکزی
 بهائیان ایالات متحده زبان بفتح و ذم مرتکبین این اعمال شنیعه
 گشودند بعضی شهادت بمطلوبت ایران ستمیده جمال انجمن
 دارند و بعضی بدفاع از حقوق سلوبه جامع و تسبیب و شترج
 تعالیم الهیه و مبادئی نظم بدیع و تعریف و توصیف اصول شرعی مبادیه

علی قدر مراجهم پرداختند جمعی از این نفوس محترمه منصفه متحیر
 و متأسف و برخی ناصح و معاتب و عده خشکین دشمنز و
 در صفحات جرائد و محلات الهمار استیجاش و استیاء شدید
 نمودند و قلیلی بتویج و انداز پرداختند طولی نکشید که باراده غالبه
 نافذه الهیه این فتنه و آشوب در اثر این اشتها سریع و احتجاج
 شدید تکین یافت و دفان ظلم و ستم نشست و سیل تهمت
 و افتراء که از قلم و خم جمله قوم و هرله و زلزله پر لوم سهر گشته بود
 متوقف گشت و صنوفا و هیجان اهل طغیان بسکون و سکوت
 مبدل گردید دشمنان جسود و محمود از تنفیذ اهداف سینه خوش
 آویس و منصرف گشتند و گرگان و درندگان از اقراس غنیم
 الهی ممنوع شدند و بناح کلاب و عوآء ذباب در آن تسلیم
 خاموش گشت و ارباب مکاربت و استکبار رسوای عالم گشتند
 بعضی در حضرات یأس و طبقات سفلیه خود بخزیند و در نار حرت
 و آسف عظیم بسجستند و برخی گرفتار و بعذاب الیم مغذت گشتند
 و عده فی اعدام و باسفلت افلین راجع گشتند امر بقامی رسید
 که مقاومت و مهاجمه شدید بر حزب مظلوم در شهر رمضان مبدل
 بحفاظت و سیانت پیروان ستمیده حی قیوم در ایام محرم و صفر گشت

وامر الکیستی راجع به تخلیه خطا بر قدس از طرف انمای دولت صادر
شد و تأکیدات صریحه در عدم تعرض واحداث انقلاب و اغتشاش
در کافه ولایات خطاب بانورین دولت ابلاغ گردید لعل اللہ یجده
بعد ذلک امر امراضاً للذالفة من قبل ومن بعد ان اللہ علی
کل شیء قدير

بیت المقتبون من نور الحیدی این انقلاب خیر و طین
اصلی امرت فدر از جهتی علت استعمار آئین الهی و آشامش
در کل اقطار گشت و از جهتی دیگر سانسش را در قلوب پیروانش
در کل اقطار تقویت نمود و مستحکم ساخت جمعی از کوفه نظران در بدو
این بنوعی غوغا چنین تصور نمودند و بخود و عده دادند که این مقادیر
و مهاجرت و اشتداد و زجر و عقوبت و تند باد غضب و صدمت بطش
و مصلحت و سطوت انکاب مکابرت و انذارات و تخویفات خصم الله
امر حضرت احدیت و سبیل اقرار اوتهمت عنقریب ریشه شجره شمره
مروغه ناشدیه و لا غریبه را در موطن و نسبت اصلیه اش دفعه
واحد قلع و فسخ نماید و سراج و باج را کلاً خاموش نماید و همی
از عشاق جمال ابھی و پرورده ی غایت حضرت عبد البهاء را در مالک
و یار بریشان و ائوس نماید و از صراط مستقیم منحرف سازد و لرزه

بارگان جامعه در کافه ممالک اندازد و شعله نار حبت الله را در افنده
 صافیه مومنین و مؤمنات و موفین و موفیات میسود و مثل یاران
 راستان را مشتت نماید و رخساره در صفوف جنود خنجره احداث کند
 و علت اشتقاق و اشعاب و تفرقه و انحلال و انقراض کردد هیهات
 هیهات «بس ما ظنونا و ساء ما حکموا» از بهم بخوضوا و یلبسوا و
 یمرحوا و یرتحواسنی لفضی الله امراً کان مفعولاً» اشتغال نار ظلم
 و عتاف و تاج هن و بلا یا و اشتداد رزنا یا ادنی خللی در وحدت
 جمع اهل بها و فتوری در عزم تمسکین بعروه و ثقی احداث نمود بلکه
 علت اشتباه نفوس و باعث تقویت بنیه امر الله گردید و روح
 جدیدی در کالبد هر دو جنین دین الله و مهاجرین و مجاهدین فی سبیل الله
 و ناشدین نجات الله و ایادی و انامی امر الله و دوستین شریعت الله
 و حامیان حصن الله و را کبین سفینه الله بدید عباد الله و اما و الله
 فی مشارق الارض و مغاربها چون ستمین مقاومت سیل تراب
 و باطیل و اراجیف و اکاذیب اولو الطغیان را نمودند و بکمال جد و جهد
 بقلب مطمئنه و اقدام راسخه و ارواح مجذبه و افنده مستعد در مهتاب
 نفوس غافلده و انتشار روح مسکبه و ندای مملکت سلطان احدیه
 و کذب با قایل و اباطیل و نفی عبراضات جدید و قدیم دشمنان امر رب البریه

وكشف اسرار ورموز شرعت سماوية واشارات مقاصد صليبه روحانية
ورفع شجوات وتوهمات نفوس محتجة وتتاح نطاق جامعة تجارة
وتشتت درماتك بسبب اربعمائة وضع اقاليم غير فتوح وتنفيذ نقشه
بدعيه ده ساله بيتر از پيش بخت بجا شدند ليثبت ماصد من
القلم الاعلى في الواح شتى قوله الا على « بالبلاء علم امره وسنا
ذكره » « قل السبلى يا ذن لخصد المصباح وحبازير داد نوره ان
كنتم من العارفين » « بلاني غايبي ظاهره نار وبقعه وبالهنه نور
ورحمه » « بالبلاء ربنا الامر في القرون الماضية سوف تجد الامر
مشقا من افق الخطه لبقرة و سلطان » « قل ان البلاء ماء لما
زرعناه في الصدور سوف تنبت منه سبلات ينطق كل حبه مسخفا
انه لا اله الا هو العزيز الحكيم » « قد جعل الله البلاء اكليلا
لرئيس الجهاد وسوف تستضي من آفاق » « قل ان القضاء موقد
لهذا الامر والبلاء معين لهذا الظهور » « انا لم نزل ارتفعنا من
الامر بباي الاعراض والدم ان انتم من العالمين » « قل ان الاعراض
من كل معرض مناد لهذا الامر و به استمر امر الله و ظهوره من العالمين
« قد جعل الله البلاء غادية لهذه الاسكرة الخضراء و ذبالة لصاحبه
الذي به اشرفت الارض والسماء » « نطلبهم رفعا الامر و انتشر ذكراهم

ربك في البلاد بمنهم ظلم الاقبال وبتظلمهم طلح نسيه العدل تفكروا
 لتعرفوا يا اولي الابواب «دعرة بايادي الظالمين يرفع امره واخرى
 بايادي اولي السبابة الذين يرون الغافلون كلف تراب ويطبقون
 بما نطق العلم الاعلى في الفوق الابحس» «قل تالله ترتفع هذه
 السدرة بماء اعراضكم ولكن انتم لا تسعرون في انفسكم وتكونون من
 الغافلين» «لو يسترون النور في البرانه يظهر من قطب البحر يقول
 اني حيي العالمين»

يا احماء الله واما انه جامع سيرة وان نسيه افان ردي
 محبتهم وشفاعتهم واثباتهم استقامتهم الفداء كهس از افول كوكب دري
 مشتاق قدم بمرحله اولاي تايس نظم بديع الهي گذشته در دست
 بنيت سال او از يد استحكام اساس و وضع قواعدش و تاسيس
 محافل محليه و تشكيل محافل مليه در قطعات خمه جهان مشغول و مالوف
 بوره و سپس در اين سنين اخيره وارد مرحله ثانيه كه مرحله ترويج دين
 و اتساع نطاق امر الله و تخرير ممالك غير مفتوحه و طرح نقشه امي
 لميه و فتوح جهاد كبير اكبر است شده حال بتقدير ان الهيه
 و وسائل عيسيه و بروفق اراده غالبه نافذه در اثر اين انقلاب
 و بلاياي وارده اخيره وارد مرحله ثالثه گشته كه مرحله اشتداد و اتساع

صیت امر حضرت کردگار است و این مراحل ثلاثه که مرحله استحکام
 ابراس و اتساع نطاق و اشتراک صیت امر نیز آفاق است مقدمه
 اعلان آئین نردان در تمام جهان است که مرکز عهد و پیمان جمال رحمن
 بآن در الواح اشاره فرموده و این اعلان تحقق نیابد الا بقیام
 زمامداران دول و امم شرقیه و غربیه و رؤسای مذاهب
 و ادیان عتیقه در قارات خسته و ایجاد دوله‌ئی عظیم و آشنوبی
 اکبر و لرزالی است از آنچه تا بحال دشمنان امرز و الحلال در بعض
 از ناکه شرقیه اصدات نمودند بایران راستان در این ایام انقلاب
 و فتنان باید نظر را باین بیان صریح که از قلم ملهم معجز شیم مولای جنبر
 و علیم نازل متوجه سازند و در آنچه حساب فرموده سخن و تفرس نمایند
 قوله الاسنی «الیوم قوای رؤسای اریان با همهم متوجه شستیت
 احسن رحمن و تفریق و تخریب سببان حضرت نردان است و وجود مادی
 و ادبی و سیاسی جهان از هر جهت هراجم بجه که امر عظیم است عظیم و عظمت
 امر در انظار واضح و لائح» و ایضا میفرماید «امر عظیم است عظیم و
 متفاوت و جهاجمه جمیع ملل و امم شدید است شدید عنقریب لغره
 فبائل افزیک و لمریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و
 ائمه چین از دور و نزدیک بلند شود و کل جمیع قوی بمقاومت برخیزند

و فارسان میدان الهی تبایدی از ملکوت الهی بقوت ایمان و جند عرفان
 و سپاه پیمان جند هنالک (نهم زوم) من الاخراب را ثابت و آشکار کنند
 لما حفظه نماید که بصریح عبارت میفرماید «مقاومت و مهاجمه جمیع
 ملل و ائم شدید است شدید» و شبهه می نبوده و نیست که مقاومت
 سبیل امر است در هجوم بر مقدسات دین القدا از طرف جمهور ناس
 و زمامداران هر دو در شرق و غرب و جنوب و شمال و هم چنین از
 طرف روسای کناس در دو قاره اروپا و امریک و بیشترین
 حضرت روح در دو قاره استرالیا و امریک و قطب و روسی
 ادیان عتیقه و چین در جنوب شرقی قاره آسیا و شرق اقصی خواهد
 بود شور و آشوب اخیر اولو الطغیان در اقلیم ایران بنفسه مقدمه شد
 و لوله بی عظمت و انقلابی است و هیجانی اکبر در اقلیم سوره جهان است
 زیرا میفرماید «کل یجمع قوی بمقاومت بر خیزند» و این انقلاب عظیم
 مقدمه اعلان امر است در تمام کره ارض و غلبه جند الله و انهم سیرام و
 انقرض اعداء الله و نسبت عمومی اهل عالم و اقبال دول و ائم و تحقق
 بشارت «یدخلون فی دین یتدا فواجا» خواهد بود از سنین
 اولیه این ظهور ابدع عظیم الی یومنا هذا مقاومت و مهاجمه بر حسن
 حسین امر است منحصراً بر روسای حزب شیعه و اهل سنت و جماعت و

عده فی قلیل از مبشرین و کشیشهای ملت حضرت روح در بعض از اقالم
 شرقیه و غربیه بوده ولی من بعد متدرجاً در مقامات معلوم با سیاب غیبیه
 این مقادیر و مهاجمه به اعضا و رؤسای کنائس از رهبان و قسوس
 و سافه و مطارنه و بطارکه از مذاهب مختلفه در قارات خمس بالخاص
 رؤسای طائفه انجلیه در جزائر بریطانیا و جزایر اعظم رؤسای قدم و اکبر
 طوائف سنجیه در مدینه رومیه سرت خواهد کرد و رفته رفته انجلیان
 در مالک جنوب شرقی قاره آسیا و جزائر مجاوره و شرق اقصی ظاهر
 و پدیدار خواهد گشت « و ناله هند و آینه چین » بفرموده مرکز میناف
 رب العالمین مرفوع خواهد شد و جنین رؤسای دو طائفه برهمنیه
 و بودائیانه جنین منابر در موطن اصلی جمال ایچی یعنی آسمان منصاع
 خواهد گشت انیت که منیر ماید و واقعه ما در پیش است و دشمن از پس
 آنچه تا بحال واقع گشته مبادی و محیدات و مقدمات است نه خاتمه و
 انستی و همچنین بقیعین مسین بدانند که نفس این قیام و تولید ولوله و آشوب
 و ظلم و ستم و تهدید و مقاومت و تحریک و زجر و هجوم بالمال باعث
 انحطاط و علت هبوط و سقوط جمهور محرکین و معصبتین و ظالمین و
 مفیدین و معترضین و معتدین و نهاسمین و انقراض و زوال علمای سوء
 و رؤسای ادیان عتیقه در اقالم سائره گردد فتنه خرب شیعه و

قیام و مقاومت خلفا از جماعت سنی در مدینه کبیره و فضولای علای از هر
 در مدینه قاهره مرکز و محور جامعه عربیه و اسلامیة بمقتاب اولین مبارزه
 و حسین صطدام است در این محرکه هائله بن طلیده مجبور ضلالت و
 عمی و علمداران حبش عزم بمجاوشه بی بنوده و نیت که این
 مقاومت و هاجمه بزور ایام شدت نماید و این صطدام بین سپاه
 مسلمان و شکر حیات نفاقش و معت یابد و ولوله اش جهانگیر گردد
 و ساج و اثرش زلزله بارکان جهان اندازد و عالمی را حیران سازد
 و امر الله را علی رؤوس الاشهاد اعلان نماید و مصداق *لا جند
 هنالک مهزوم من الاحزاب را* و *و از نزدیکان من علی الذین استضعفوا
 فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین* را ظاهر و آشکار سازد
 نفس این جهاد کبیرا کبر و این قیام و خروج و جوش و خروش و ترک
 اوطان و شتت در ممالک و دیار و نصرت و ظفر در میدان مجاهدت
 و هدایت جم غفیری در ممالک و جزائر متعدده از اجناس و طبقات و
 السن و الوان و طوائف مختلفه متنوعه مهتد سبیل و وسیله تسریع این
 صطدام حیرت انگیز و جنگ و ستیز بین اصحاب بسیار و همین است
 چنانچه علامات اولیه اشاع نطق این مبارزه در سنین اخیره در
 قاره افریکی و جزائر بعسیده محیط اعظم در نتیجه مقاومت و تحریکات

طشترین ظاہر و نمایان گشته و بتدریج در اثر همت و سبالت و شجاعت و استقامت
 و اقدامات مستمره تنزایدہ گروه مجاہدین و نہما حسین ابن نقی و امت
 بسائر طوائف و مذاہب سرایت نماید و رعاب الہی را مستدرجا در قلوب
 زمامداران اندازد و بر شدت وحدت این رزم روحانی و اتساع
 دائرہ معرکہ آتش بسفیرایدہ جمال قدم سلطان الامم و خبی الرتم بسپاہیان
 دلیرش در این انقلاب عظیم کلاماً اطمینان دادہ و باین سان بحمل و
 اتم و عہدہ نصرت دادہ قولہ بکبر کبریا ^۱ «دلعمری لا ینزل علی
 الا حبار الا ما هو خیر لهم یسجد بذلک قلم اللہ المقدر العزیز المحبوب»
 و الضایفیرایہ ^۲ «انہ ما قدر من قلم التقدر لا حبانہ الا ما هو خیر لهم
 و نسئلہ بان یوفقہم علی الصبر و الاضطبار لئلا تمنعہم السبلایا
 عن صراط اللہ العزیز العظیم»

حال سزاوار آن است کہ در خانمہ این اوراق نظر را بتائیرات
 ہستہ اقدامات اخیرہ و فتوحات و شروعات بہتہ نامہران امر
 جمال ابھی در این دو سنہ اخیرہ جہاد روحانی اہل بحامشوجہ سازیم
 و در تصرفات عجیبہ غریبہ قوہ قاهرہ ازلیہ قدسیہ و موجود و محرک
 این جہاد کبیر اکبر کہ کوشش را ائیادی غالبہ سپاہیان رب الجنود
 در بر و بحر و در غرب و شرق و جنوب و شمال بکمال قدرت و اقتدار کوبیدہ

و میگویند اندکی سخن و تفرش نمایم مجاهدین فی سبیل الله و ساریان مملکت الله
 که در نخستین سنه این جهاد کبیر کبر بقوه اهم عظیم بفتح صند اقلیم از اقلیم
 عالم تفر گشتند در سه تانی و ثالث این جهاد نیز بعسکری ضل ناپیر
 میدان مجاهدت مداومت نموده در انقیاد و طائف متعدد متعدد
 حتمیه خویش کا اهرم و لضمهم مولا هم عمتی بلیغ منبول داشتند و خیال
 استقامتی نمودند و بفتح و ظفری نائل گشتند که ندای حسنه استقامت
 یا اجابان و نصر آوری از کمن آسی خطاب بجد باسل بها مفتح
 گشت و هلهله اهل طاء اعلی رنه در غزوات فر دوس ایچی و جنت
 علیا بسیداخت در نتیجه این همت موفور و معی مشکور و قیام خروج
 و مهاجرت و شنت عدد ممالک مستقله عالم و اقلیم تابعه
 در شرق و غرب و جنوب و شمال که بنور امر الله منور و در ظلش متیقل
 گشته به دولت و جلال و هفت بالغ گشت و از این ممالک دو
 مملکت که در قطعه هند و چین واقع و یک جزیره که از جزایر او قیامت
 اطلس است در نقشه ده ساله مذکور نه و فتحش از خدمات باهره و حقوق
 اضافیه مجاهدین و ناصرین امر رب البریه محبوب مجموع مراکز ابریه
 در بر و بحر و مدن و قری که نطقش از العبد من جنوبیه عالم از خط استوار
 در سال ۱۰۰۰ هجری قمری در سال ۱۰۰۰ هجری قمری

بالغ گشته و شارتش را این عبد بیاران عزیز قبلاً داده در او احسن
 این سنه که خاتم دوین مرحله این جهاد کبیر اکبر است از سه هزار و
 شصت ^{۳۶۰} تجاوز نموده اقالیم مختلفه متعدده واقع در قارات اربعه
 آسیا و افریقا و اورپ و امریکا که اسمائش در نقشه رساله
 مذکور مشهور است کل باشنای جمهوریات اتحاد شوروی و مالک
 و اقالیم مرتبطه در نتیجه این فتح و ظفر مفتوح گشت و هم چنین کافه
 جزائر بحر متوسط و محیط اعظم من دون استثناء در نطق امر اللہ
 وارد و بورد و خود رسولان امر اللہ و مهاجرین فی سبیل اللہ
 مشرف و منفتح گشت ^{۷۲} و ایضاً جزائر مذکوره در این نقشه
 که عدد آن به هفتاد و دو و بالغ بتائید من اللہ در اقل از سه سنه
 کل مفتوح گشته باشنای شش جزیره که یکی در بحر شمال واقع و
 دیگری در اقیانوس اطلس و دو جزیره در اوقیانوس هند و دو جزیره
 دیگر که از توابع اتحاد شوروی خوب است و مجموع جزائر کره این
 که از اشعه سلطه امر اللہ مستنیر و در نطق نظم بعین وارد
 گشته حال بنود دهشت بالغ ^{۹۸} در قاره اورپ صیبت بنا اعظم
 و امر رب مقتدر و کریم بمالک نایبه شمالیه رسیده و در مرکزی از
 مراکز که ما و ارباب مدار قطب شمال در آن قاره است و هفتاد و سه شمال

خط استواء واقع علم بین بدست مجاهدین و همسیرین مرتفع
گشته نمایندگان چهل ترا و از تراهای مختلفه متنوعه متنازعه
مباغضه در ظل شریعتیش وارد و از مصدر فیوضاتش مستمد
و بر جوش مویده در سبیل رضایش سالک و از خوان نعمتش
قنقم و بر خدمت امرش قائم و در ترویج کلمه اش ساعی و مجاهد
کتاب و جزوه های امریه به صد و هشتاد و نه لغت از لغات
مداوله بین طلل و اتم لهجت رسولان اسم عظیم و مردجان
شریعت اقوم ترجمه شده و از این لغات تجاوز از شش لغت
دقیقه بدلیجه مذکورنه و هجبت ناشه ان نفحات الله بر
لغات معینه اضافه گشته و بعضی از این شایات رایا را
بخود و خدم باقصی شمال و العبد مراکز عالم که بیش از هشتاد
درجه فوق خط استواء واقع ارسال نموده اند ترویجاً لأمره
و ابناً بالقدرة و اعلاء الکلمه در قاره افریقا که بنابر
موقده الهیه مشغول گشته و بر قارات خمس سبقت یافته عده
موسنین و مؤنات از سه هزار و عده موقنین و مؤنات از
چهار هزار و عده مراکز امریه از چهار رده و عدد قابل
از صد و چهل و عدد محافل روحانیه از صد و بیست و عدد لغات که

آثار امریه بان ترجمه گشته از نیجاه تجاوز و در نتیجه این تقدم سریع
 و نفوذ شدید و اقبال بی مثل و اجابت بی نظیر دعوت ربّ جلیل
 جنود منصوره الهیه در سراسر آن قاره وسیع به تهیه مقدمات
 انتخاب دکلا و تشکیل نه انجمن شور و روحانی و تائیس سه فعل
 مرکزی ارکان دیوان عدل اعظم الهی بکمال شعف و سهور
 و بهجت و جهور مشغول و مالوف و در این عید رضوان که افتتاح
 مرحله ثالث این جهاد کبیر اکبر است باین نصرت عظیم و فتح مبین
 موفق و مفتخر خواهند گشت عدد محافل و هیات ملی و محلی که در دو
 حکومتی در ممالک مختلفه عالم تا بحال رسماً بتجیل و بصدور اعتبار
 نامه رسمی از طرف ولایه امور لاجل تائیس اوقاف کھبانی
 مفتخر گشته به صد و شصت و شش ^{۱۹۹} بالغ و عدد محظائر قدس
 ملیه که در اقل از سه سنه در ممالک اروپا و آمریکا و جمهوریات
 جنوبی و مرکزی و آره امریک و اقلیم السکا و ژاپان و عربستان
 و ترکیه و سیلان و هند و جنوبیه محیط اعظم و افغانستان تائیس
 یافته و قیمت آن به نیم ملیون دلار بالغ گشته از جهل تجاوز
 و یاران جانتان مولی الامام در اقلیم متعدده در این اقسام
 بتلافی و جبران خسارت فادحه اخیره اشغال و هم قبه رفیع اولین

حظیره یاران ستمدیده در موطن اصلی حضرت احدیه کمالاً موفق و
 باثبات بیان صریح جمال قدم در ذکر غلبه و انتصار امم عظیم مؤید
 قوله جلّ اعزازه «لو یسترون النور فی البرانه لیمر من قطب
 البحر ویقول انی فی العالمین» بانیان نظم بدیع و سالکان
 صراط مستقیم و مجربان فرمان مولای فرید و عظیم بانبیاء
 اراضی ده معبد که قیمت آن جمعاً بصد هزار ^{سینه} دویار بالغ
 و در حصار مدینه النور در دار السلام بغداد و عاصمه قطر مصر مرکز
 عالم اسلامی و عربی و در قلب کشور المان و عاصمه هندوستان
 و اقلیم کنده و مدینه سیدنی اول و اقدم مراکز امریه در قاره آسیا
 و عاصمه جمهوریت پنا که ذکرش در الواح مبارک مشیت و مدینه
 کمالا در قلب قاره افریک و مدینه جوها نیز برگ که اول مدن جنوبیه
 آن قاره مشرب و عاصمه کشور ایتالیا مرکز جبر عظیم واقع مستالجا
 در این سه سنه اخیره مؤید و هم چنین بطرح نقشه و تهیه و سال
 نشید دو معبد عظیم الشان در قلب دو قاره اروپ و افریک
 منقح مفدمات تأسیس اوقاف بجائی در متجاوز از بلبل مملکت
 زمان عالم بهمت عشاق امم عظیم و مؤتسین نظم ابداع فخم فرام
 بقیمت این اراضی و اماکن موقوفه که در قارات خمره در اقل از سه سنه

باران مالک گشته اند از صد هزار دلار متجاوز و در استیلا
 اراضی باقیه در مالک سائره بر وفق نقشه ده ساله مروج
 امر رب البتیه بکمال بهت جاهد و مداوم اقلیم بعید تبیت که چون
 مسیت از نجات یوم ظهور بکلی محسوم و از استفاضه از الوار
 ساحه اش کمالاً ممنوع و محجوب و در خلف جبال شامه باذنه
 واقع و از مراکز مهمه و حسن حصین طائفه قدیمه بودیه محسوب در
 سلک اقالیم مفتوحه در این سنه اخیره محسور و در نطق دائم
 الاتساع امر نیز آفاق وارد در متجاوز از مسافت اقلیم از اقالیم
 شرقیه و غربیه که در این سنین اخیره مفتوح گشته تقدم امر الله و نفوذ
 کلمه الله و از دیاد عدد مؤمنین و مؤمنات مراکز منفرده را السبعی
 تحیر العقول مبدل بجماعات و عده فی از این جماعات را بمجا فل مقده
 روحانیه تبیل نمود و در بعض از این اقالیم عده تعقلین که تعلیمی سلیم
 توجه با مرتب قدیم نموده و کجبل المتین تعالیهش تمسک گشته از صد
 متجاوز و این نفوس جدید الاقبال که اکثر از اهل صلی این اقالیمند
 بکمال انجذاب و اشتغال و اتفاق و اتحاد و بهت و بهامت بنوبت
 خویش قیام بر تبلیغ امر الله و ترجمه و نشر آثار الله و احکام اس
 دینیه و ترویج احکام شرعیته تقدیم نموده اند و بتأسیس مراکز جدید و شرعاً

مهمه و طرح نقشه های ثانویه پرداخته و عده ای از آنان بمهاجرت اقدام
 نموده و حال بوجود ابنا و احفاد روحانی خویش افتخار نموده و بی غمانند
 و در نتیجه این فوز بین مر و صین امر ازین در این اقالیم از آنچه مأمول
 بوده و در نقشه دهاله تصریح و تعیین گشته تجاوز نموده اند و
 بمقانی رسیده اند که احدی در آغاز این جهاد کبیر اگر تصور چنین
 فتح و فیروزی و فلاح و نجاح را قطعاً نمی نمود در محیط عظیم عده
 حصار مفتوحه از قدیم و جدید از جهل مجاور و مجموع مراکز امریه
 در این حصار مشتته متعدده که در جنوب و شمال و غرب و قلب
 عظیم او قیاموس عالم واقع به صد و هشتاد و بالغ
 در ارض اقدس قلب العالم و قبله الامم و لانه و اشیا نه بنیا
 و اولیای مکرم معظم و مرکز روحانی و اداری جهانی سپیدوان امر
 جمال قدم و محور بنیاد نظم بیع اکل اتم منجی عالم و مقصود و
 موعود اتم پس از انجام و ختام تشید مقام محقق الانوار قوی
 مبته ظهور هم عظیم با وجود انقلابات عظیمه جهان و مخاطرات
 تنزاید متنوعه که این ارض را احاطه نموده متوطلاً علی الله بتجین محل
 استقرار مرکز اداری جهانی اهل بها و اشیاع اراضی لازمه و تشکیل
 قوس وسیع شکل نیم دایره در حول مراقد منوره شریفه و حفرا کس

اولین بنای این مرکز عظیم ایشان مبارکت گردید و قطعه زمینی که
در قرب مدفن حضرت و رفته علیا ثمره سدره منتهی و سراج طائر اعلی
واقع بقیمت صد هزار دلار جهت بنای معاهد آئینه در دامنه این
جبل مقدس تا این الهذا شروع المقدس المحظیر و جلالاً للعامة الأئمة
الاعز المسین بتبایع گشت و بتدریج قسمتی از احجار و خشتاب
و لوازم ضروریه این بنا که مجموعش از هزار تن و مصارفش
از صد و سی هزار دلار متجاوز دارد اسکله حیفا گشت و قسمتی
از اعمده این بنای فخیم که دارای پنجاه و دو ستون است و هر ستون
ارتفاعش از شش متر متجاوز منسوب گردید و به تهیه لوازم سقف
محلل و زیبایش که بلون خضر آملون و از هشت هزار قطعه مرمر
و قیمت آن از سیزده هزار دلار متجاوز مبارکت گردید و هم چنین
اقدامات لازمه جهت تبایع پنج بلیت از بیوت منصله بطبقاً
آن مقام مقدس که در رأس اولین خیابان مدینه حیفا واقع و قیمت
آن از شصت هزار دلار متجاوز خاتمه یافت و با اوفاد بن المللی
بهائیان که محتش از چهار صد هزار متر مربع تجاوز نموده منضم
گردید و الضیاء پس از تائیس شعبه های محافظه رومیه روحانیه انگلستان
و کندها و ایران و استرالیا بانسفال قسمی از اراضی موقوفه در این جبل

مقدس که قیمت آن جمیعاً از چهل هزار دینار متجاوز بهم مشبه های
 این محافل روحانیه اقدام گردید و معاملاتش حال در اداره ثبت
 اسناد در شرف ختم است و شبهه ای نبوده و ولایت که این ا
 علت است حکام اسس موقوفات بین المللی کجائی گردد و بر
 استهار و رونق و جلالتش بفرزاید در مرجع عکا اراضی
 حرم اقدس در حول ضریح مقدس و جنوب قصر رفیع انجم جمال ابھی
 اتساعی جدید یافت و در نتیجه مساعدت و معاضدت اولیای
 امور مرکزی در مدینه اورشلیم بلتی که بخاور آن قصر مشید است و
 بقدم مرکز میثاق جمال ابھی مشرف گشته است باع گشت و
 استهار و جلوه حدائقش در انظار جم غفیری از زائرین و
 زائرات از یار و اخیار که بزیارت مرقد مطهر و مشاهده آثار
 قصر انجم فائز مضاعف گردید در زاویه ای از زوایای حرم اقدس
 کج دم کین بقیه زعماء و فئه ناقضین عهد مسین مجدالدین لعین
 محرک ناقض اکبر میثاق رب العالمین بذلتی بین باسفل السافلین
 ساقط گشت این عهد و لود و خصم محقود و بغض مجسم که از قلم
 میثاق جمال رحمن بمطهر شیطان موصوف و در اطوار و حرکات
 و مسلک و رفتارش رحمت سید سلیم صفهانی که یحیی بی حیار ادرام

جمال ابھی اغوا نمود پس از صعود نیز آفاق بکمال تدلیس و تزویر و
 عزنی راسخ در ہم میثاق الهی مهت بگماشت و با اولیای اسور
 مرتبط گشت و در تهیه لواج و ارسال آن ببدین کبیره مرکز خلافت
 جائزه سعی بلیغ مبذول داشت و در سنین عدیده حلقه اتصال
 و واسطه ایصال هدایا از طرف فقه ضالہ بولاء و متصرفین و
 پشای غدار جمال پروبال و جمعی از مأمورین تہ کار بود پس
 از افول کوکب میثاق تبام قوی بر معاہدت ناقضان عہدہا
 و ایجاد رخنہ در جامعہ پیروان امر حضرت رب البریہ و غصب
 مفتاح روضہ مبارکہ و مخالفت از تائیس مشروعات ہتھیہ بین الملل
 در جل کرمل و مرج عکا قیام نمود تا آنکہ عاقبہ الامر ببلای اُدھم
 مبتلا گردید و لصف بدش مفلوج گشت و بذلت کبری آتائی
 بسرد و پس از انقضای صد سال از حیات پروباش و
 شاہدہ آثار غلبہ و نصرت غضن دوحہ بقا و استقرار میان
 جمال ابھی و اشتعال سراج عہد اتم اونی در دولت اقلیم از
 اقلیم دنیا و تائیس و استحکام نظم بدیع جهان آرا و اتمام شروع
 عظیم الشان بنای ام المعابد غرب در قارہ امریکا و احتفال دو
 عید منوی اہل بھا و تشیید تمام بقی الأنوار نقطہ اولی و نصب قبة

ذهبیه اش در قلب جبل الرب کوه خدا خائباً خاسراً بناحسبنا
 راجع شد و خطیب اکبر قطب شفاق و خلیفه اش و بدیع شنیع
 و جمعی دیگر از رؤسای عصبه غرور و فتور ملحق شدند در ایالات
 متحدہ امریکہ حایمان غرب مظلوم رافعان راست بیضاء و علم داران
 حبش عزم بجاکه بتائیس هزار و پانصد مرکز در آن اقلیم وسیع
 و آزاد موفق و مفتخر گشته بقوت اساس امرالهد و استماع دائره
 مؤسسات امریه و اشتها صمیمت بنا عظیم در آن قاره مشتعل که
 مهد نظم بدیع و منشأ مدنیته الهیه است لیل و نهار را مشغول هیئت
 منتخبه بهائیان در آن سامان بقدیم یکی از ادعیه نازله از کلک
 مرکز مشیاق بر سرین جمهور آن کشور مفتخر و جوانی بامضای رئیس
 خطاب بان هیئت صادر و در آن نگارنده نامه ستایش زائد
 الوصف از تاثیر مطالعه این مناجات نموده و این هیئت محترمه
 نیز بتائیس مؤسسه مطبوعات ملی بر وفق نقشه ده ساله مؤید
 و هم چنین بطرح نقشه بی زیما جهت تزیین حدائق تسبیح آم المعبود
 عرب مطابق دستور و تعلیمات صادره از قلم مرکز عهد و مشایق موفق
 و به استیاض قطعه زمینی که نسبت ان از چهل هزار دولا تجاوز جهت تشیید
 اولین مؤسسه بهائی که از توابع و ملحقات این معبد عظیم شان است مفتخر

و از جمله وقایع مهمه در آن کشور متور صدور دعوتنامه رسمی از طرف
 یکی از انجمنهای مسیحی و اشتراک نماینده کجائی در اجتماع تھیب و مجسمی
 بی نظیر و مشیل که در مدینه سان فرانسیکو لاجل تذکره دعا برای
 هدایت اهل عالم و تأسیس صلح بین ملل و اطمینان و در این اجتماع
 قریب ^{۱۹} ششزده هزار نفر مجتمع و در حضور جمعی از اعیان و زمامداران
 از جمله وزیر خارجه ایالات متحده و جمعی دیگر از نفوس مهمه معروفه
 نمایندگان ادیان عتیقه از مسیحی و هند و بودائی و کلیسی و اسلام
 هر یک بنوبت سخوش بتلاوت ملتجائی از کتب مقدسه اقدام نموده
 و نماینده جامعه کھائیان قبل از کل رسماً بتلاوت ناجائی که از قلم
 جمال البھی صادر منقخر گشت و شرح و قائل این اجتماع عدیم النظیر در حاله
 و مجلات منتشر گردید و بر اشهار آئین امر گردید و بفرود دوازدهم و قائل
 مهمه و حوادث تاریخیه و فتوحات باهره حلیله بهائیان در قارات
 در این دو سنه اخیر که باختصار در خاتمه این رساله درج و ثبت میگردد
 انتقال رس مبارک ابن نقطه اولی روحی له شحات دمه الاطر فدا بهمت
 افغان سدره بقا و یاران عزیز با وفا در مدینه مبارکه شیراز در ایام
 عنوان گلستان جاوید بهائیان است در کتاب قیوم سما، مناسبت صعود
 ابن وحید منظر منطلوتت کبری این بیان کلی خطاب بحرم نقطه اولی از قلم

مقصود اولیا و سلطان انبیا صا در قوله تبارک ذکره ^{عظیمی} فضل الذکر
 الاکبر یا اتجا الحبیة من لدی المحبوب عند حبیبی ما انت کا حدیث من انشاء
 ان تبعت امر الله الحق فی الحق الاکبر اعرف فی حق العظیم من کلمة القیم
 لنفک و افخری بالجلوس مع الحبيب محبوب الله الاکبر و بلفیک الفخر
 هذا من لدی حکیم حمیداً و اصبری علی القضاء فی شان الباب و
 اهلہ و ان دلک احمد لدی فاطمة الجليلة فی الجنة القدس علی نحتها
 بالحق قد کان فی الحق بالعلم مربوباً و از جمله انفعال سند مالکیت
 سجن اکبر بنام ایادی امر الله و امین حقوق الله در مدینه مبارکه طهران
 و اعلان حق اشترک امام الرحمن در قطرین مصر و سوران در عضو
 محفل ملی و انجمن شور و وطنی در آن سامان و تسجیل محفل مرکزی
 بهائیان سویس و ایتالیا و تاسیس مؤسسه مطبوعات ملی در
 مدینه دهلی عاصمه کشور هندوستان و مرکز انعقاد جلسات
 اعضای محفل مرکزی هند و برما و پاکستان و سیلان و اتباع
 اماکن تبرکه در ارض سر و انعقاد نخستین مؤتمر جهانی در قلب کشور فرانسه
 و جماع نمایندگان مراکز مختلفه که اخیراً در نتیجه مهاجرت مؤمنین و
 مؤمنات از قاره امریک بقاره اورپ مستالماً تاسیس گشته
 و مشورت در امر تبلیغ و ترویج و سایر مسائل جهت انعقاد محفل ملی بایران آن سامان

در سنین آیه ولعین و تائیس مبنی برانی در مدینه الله در اقلیم لیبیا
 دارالسلام افریقا و العقاد اولین مدرسه تابستانه در قرنه کوه بوکا در
 قلب آن قاره و اجتماع صد نفر از یاران مفید پوست و سیاه پوست و
 نمایندگان بیت و هشت مرکز از مراکز مختلفه لاجل کتاب معلومات
 امریه و مشاوره در امر تبلیغ و ترویج امر حضرت اهدیه در مراکز واقالم مجاوره
 و آسیاع زمین جهت تائیس مدرسه تابستانه در مدینه مبارکه بغداد و تهیه
 نقشه فی جهت بنای آم المعابد غرب در قاره استرالیا در سنین آیه و
 حال که ختم سوئین سنه و انتهای مرحله ثانیه جهاد کبیر اکبر است پیروان
 ثابت راسخ مالک القدر در مراکز متحده در مجاوره از نو د اقلیم شرقیه
 و غربیه و جنوبیه و شمالیه در قارات خمه بحال وجد و سرور و مهمتی سو فورو
 وله و و جدی بدیع متوکلین علی الله الحافظ الناصر القدر بهتیه مقدمات
 انجمنهای شور روحانی و تشکیل محافل میه روحانیه و رفع ارکان و نصب
 دعائم دیوان عدل اعظم الهی که ماهه الا تمیاز مرحله ثالث این جهاد است
 مشغول و مألوف در آغاز این مرحله ثالثه که از مراحل مهمه خطیره این جهاد
 کبیر اکبر است که محفل از این محافل روحانیه در ایام آیه در قلب قاره افریک
 و شمال و جنوب آن است و الله و اراد تائیس خواهد گشت و در دوین سنه
 سیزده محفل دیگر بنائید من الله و قوه من لدنه بر این محافل ثلاثه اضافه خواهد شد

و از این محافل سه محفل در قاره اروپا تأسیس خواهد گشت در انتخاب
 محفل اول بهائیان اسوج، قتلند و نزوج و در انتخاب محفل ثانی بهائیان
 هلند و بلجیک و کوکسبورگ و در انتخاب محفل ثالث بهائیان اسپانیا
 و پرتغال اشتراک خواهند نمود و چهار محفل دیگر در قاره آسیا تشکیل
 خواهد شد یکی در شرق جنوبی آن قاره و دیگری در عربستان و دیگری
 در ژاپان و دیگری در پاکستان منقده خواهد گشت و پنج محفل دیگر در
 قاره امریکه تأسیس خواهد یافت که در انتخاب دو محفل از آن بهائیان
 جمهوریات جنوبی و در انتخاب دو محفل دیگر بهائیان جمهوریات مرکزی و در انتخاب
 محفل خامس بهائیان اقلیم الکام اشتراک خواهند کرد و محفل سیزدهم در جزیره نیوزلند
 که از جزائر جنوبیه محیط اعظم است تأسیس خواهد گشت و در هر یک از این انجمنهای
 شور و عمان که مقدمه تشکیل این محافل روحانیه ملیه است ایادی امرالله حضرت
 و ایدیم بالنیابه از این عبد حاضر و ناظر خواهند بود در انجمن اسکولم ایادی امرالله
 مستر گروسن و ایادی امرالله مستر موسشل و در انجمن بروکسل ایادی امرالله
 مستر تاوونزه و در انجمن مدرید ایادی امرالله مستر جیاگری و در انجمن
 جاکارتا ایادی امرالله جناب فروتن و در انجمن بحرین ایادی امرالله جناب
 سمندری و در انجمن توکیو ایادی امرالله جناب فاضل و در انجمن کراچی ایادی امرالله
 جناب علانی و در انجمن بنویس ایس ایادی امرالله و این حقوق است جناب

ودر انجمن لیبیا ایادی امرتہ مستر ہولی ودر انجمن بناما ایادی امرتہ خباب خادم
 ودر انجمن پورت او پرنس ایادی امرتہ میس ترد ودر انجمن انکورج ایادی امرتہ
 مستر ہنی ودر انجمن اوکلند ایادی امرتہ میس دان این نفوس معینہ باوکلای
 جمعہ در مذاکرات و مشاورات امرتہ مشارکت خواہند نمود
 اے یم اللہ یا اجآء البھاء وایادی امرہ و خلفاء جبہ علی ما ترفع بہ
 مقامانکم و تحلل وجوہ آبائکم و اجدادکم و نظم خفیات امر محببکم و مولاکم
 و تہمج الویۃ النصر فی بلدانکم و اوطانکم و تہتہ ارواح المقربین فی
 ملکوت ربکم و بارئکم و تقشعر جلود اعدائکم و خصمائکم و تحقق ایاکم و اهدافکم
 فی خدمتہ امرہ الاعز الاقدس الأبدع البدیع و تنفيذ الجھادہ الاشرف
 الارفع الامنع الافخم الخلیع و لکم منی الف نحبہ و شأء من ہذہ البقعة
 النوراء زادکم القدی خدمتہ امرہ و نصرة دنیہ شوکتہ و جلالاً و قدرة
 و رجالاً نوروز ۱۱۳

از روی نسخہ اصل کہ بخط مبارک مرقوم است و دو بار مقابلہ گردید

محمد علی